

کارنامه ارتش ایران - قیام ۱۸ تیر ماه دائری و جانبختگی رنگ و نژاد و مذهب ندارد

کارنامه ارتش ایران در هنگامه شورش سال ۲۵۳۷ (۱۹۷۹=۱۳۵۷) توسط گروهی از ارتشیان خدشه دار شد. دو سال بعد گروه دیگری از افسران میهن پرست و رشید ایران آبروی بجوی رفته را باز خریدند. گروهی از ارتشیان که امروز بعد از ۲۵ سال مدعی هستند که بدلائل سیاسی مجبور شدند تن به ذلت مصالحه با جمهوری اسلامی و بیعت با خمینی بدهند پشیمان شده و میخوانند خود را تیرنه نموده و عمل اشتباه خود را به نعل و میخ بزنند. ارتشیان کسانی بودند که میتوانستند براحتی جلوی رژیم خونخوار آخوندی را گرفته و مانع ورود هواپیمای مردی که ایران برای او "هیچ" بود بشوند.

افراد نظامی که توافق کردند در روز ۲۲ بهمن سال ۲۵۳۷ آن نامه ننگین بی طرفی را امضا کنند قبل از رسیدن به آن مرحله دارای قدرت و اقتداری بودند که میتوانستند بجای همکاری و بیعت با خمینی که در نتیجه آن میهن گرامی ما به دست بیگانگان مذهبی سپرده شد به همراه هم یک صدا بجای به گوشه ای خزیدن تفنگ هایشان را به روی او بیاش بگیرند و همانند همه ارتش های جهان حافظ قانون اساسی و مرز های کشور باشند نه حافظ اسلام و ارادتی که در شهر ها آشوب میکردند. آنها میتوانستند هر آن از ادامه آشوب ها جلوگیری کنند. قادر بودند ولی تعطل آنها در این بود که بین اسلام و قانون اساسی و قسم ملی که خورده بودند کدام را انتخاب کنند. آن ها اسلام را انتخاب کردند!

۱. بسیاری از ارتشیان با انتشار خاطرات خود گناه را یا به گردن سازمان اطلاعات و امنیت و یا به گردن شاه می اندازند. درست که ممکن است ماموران سازمان اطلاعات و امنیت کشور بادتوری که از تیمساران خانگی همانند حسین فردوست یا قره باغی گرفته بودند بنا نداشتند با مذهبیین درگیر شوند ولی ارتش چنین تعهدی نسپرده بود و میتوانست همانطور که در قسم نامه هایشان آمده است برای حفظ امنیت و تمامیت ارضی ایران و آرامش وارد عمل شود.
۲. اگر این افسران و تیمساران در حدی و در مقامی نبودند که مسئولیتی را بعهده گرفته باشند پس چرا تن به امضای چنان بی طرفی که تاریخ همیشه آنرا مورد سنوال قرار خواهد داد دادند؟ اگر کاره ای نبودند چه لزومی به بودن امضای آنها در پای ورقه بود. چرا از افسران دیگری مثل محقق و مهدیون امضا گرفته نشده؟
۳. لزومی نداشت که ارتش بر علیه مردم ایران اسلحه بکشد، میتوانست او بیاش و جانیان را دستگیر کند تا کار به جای باریک نکشد. وقتی بنشینیم و تماشا کنیم سیل زیر زمین، طبقه اول و تمام ساختمان را باهم میبرد. در حالیکه اقدام به موقع میتواند مسیر سیل را برگرداند.
۴. بسیاری از این افراد که امروز زنده هستند از خود دفاع می کنند و در گفتار و نوشتار خود به طریقی مسئولیت را متوجه دیگری و یا شاه میکنند و مدعی هستند که بدلیل ترک نا خدا ایشان نیز چاره ای جز ترک کشتی نداشتند. این چه نوع تعلیماتی است؛ اگر میخواهید بگویند دیگران اشتباه کردند شما که خوب میدانستید و امروز نسخه درمان میبپسید چرا سکان را رها کردید که این کشتی غرق شود. هیچگاه عنوان نمیکنند که چگونه خودشان قبل از اینکه نا خدای کشتی مجبور به ترک کشتی شود آنها دکل، سکان، موتور خانه، لنگر، پیچ و مهره ها را یا از جا کنده بودند و یا با عدم انجام وظائف محوله همانند این که ستون خیمه را برداشته باشند تمام چادر را بر سر نا خدا و میهن و مردم خراب کرده بودند. قصد محکوم کردن نیست ولی هر گاه میخوانیم که مقصر اصلی را شاه قلمداد میکنند لرزه بر اندام ما می افتد که پس شما ها کرور کرور و گروه گروه که همه اش دنبال پست و مقام بودید چه کاری در آن مملکت میکردید؟ مسئولیت شما چه بود. مگر نه اینکه هنگام بحران بایستی هر کس به اندازه خود سعی خودش را بکند؟ مگر نه این است که در ارتش قسم خورده ایم تمامیت ارضی و امنیت و صلح را در کشور حفظ کنیم. چگونه؟ با امضای نامه بیطرفی؟
۵. در مصاحبه بعضی از این امیران ارتش میخوانیم که تمام گرفتاری ها از "دین" بوده در صورتیکه در همان مصاحبه خود اقرار میکنند که در قبل از شورش ۵۷ کمک کرده اند در پادگان ها مراسم سوگواری و تعزیه براه بیافند. ارتش چه وظیفه میداشت در مورد مذهب که باور شخصی افراد بود چنین کاسه از آتش داغتری باشد؟ جای تاسف است که با وجود پی بردن به علت و علل گرفتاری که همان دین و خرافه پرستی است این افسران مدعی هستند در باور خصوصی افراد دخیل شده اند. هنوز گروهی از این توبه کنندگان نتوانسته اند خود را از قید و بند زنجیری که ۱۴۰۰ سال پیش به پا بسته شده رها سازند. هنوز هم در راه مسجد و منبر پیش میروند تا در راه مردم.

نظامیان میهن پرست ما که همواره سلحشوری خود را با اثبات رسانده اند آرام ننشسته و برای خروج از یوغ آخوند در بیست و پنج سال گذشته فعال بوده اند. یاد این سلحشوران و قهرمانان ملی لازم است:

زنده یاد سپهبد بقراط جعفریان یکی از امیران دلاور ارتش شاهنشاهی ایران بود که در بحبوحه شورش سال ۲۵۳۷ به قصد فرو نشاندن آن دست بکوشش زد. شورشیان و حامیان بیگانه آنها این امیر دلاور را در حین پرواز با هلی کوپتر میان دزفول و اهواز که بمنظور هم آهنگ کردن حرکت یگانهای تحت فرماندهی خود جهت عزیمت به سوی پایتخت و سرکوب شورشیان در حرکت بود به آتش بستند و بقتل رساندند. چه کسانی ایشان را بدون پشتیبان گذاشت و چه کسانی گلوله و تفنگ در اختیار او باش و ارادل گذاشت؟!

زنده یاد ناخدا شهریار شفیق یکی از اولین افسران ارتش شاهنشاهی ایران بود که پس از شورش سیاه سال ۲۵۳۷ به مبارزه با جمهوری اسلامی برخاست و تلاش گسترده ای برای از بین بردن جنایتکاران و ترور آفرینان نمود. اما جنایتکاران اسلامی این مرد دلاور را ترور کردند تا حرکت ارتشیان را در نطفه خفه کنند که البته موفق نشدند و دوستان و همزمانش راه او را ادامه دادند.

زنده یاد سرتیپ جواد معین زاده، امیر ارتش شاهنشاهی ایران بود که با ایجاد "ارتش رهانی بخش ایران" اولین سازمان (نظامی-سیاسی) را بر علیه رژیم آخوندی بنیان گذاشت. "آرا" ارگان رسمی این سازمان در سال های ابتدایی شورش ۵۷ (۲۵۳۷) اولین نشریه مبارزان خارج از ایران بود که میهن پرستانی را برای سرنگونی رژیم آخوندی در کنار هم قرار داد.

زنده یاد ارتشبد غلامعلی اویسی، از امیران ارتش شاهنشاهی بود که بر علیه رژیم جمهوری اسلامی قیام کرد. بسیاری از ارتشیان و میهن پرستان مبارز به حرکت این امیر نامدار پیوستند و گروهی از آنان نیز در پایگاهی در مرز های ایران مستقر شدند. اما او همراه برادرش غلامحسین اویسی با گوله مزدوران رژیم و ایادی بیگانه به قتل رسید.

زنده یاد سرلشگر علاء الدین ناظم که به قصد سرنگونی رژیم قد علم کرده بود حرکت خود را به داخل ایران برد که تلاش های او با توطئه مزدوران بیگانه و رژیم خونخوار بی نتیجه ماند.

زنده یاد ارتشبد بهرام آریانا امیر دلاور دیگر ارتش شاهنشاهی ایران بود که برای سرنگونی حکومت آخوندی با رشادت بپا خاست و در ترکیه حرکت رهانی بخش ایران را آغاز نمود؛ حرکت این امیر ایران پرست با توطئه حامیان حکومت آخوندی نا کام ماند.

عملیات ربودن ناوچه تیرزین نیز از جمله تلاش هائی بود که به فرماندهی افسران نیروی دریائی شاهنشاهی انجام گرفت ولی بدلیل عدم استقبال از جانب بعضی افراد بی نتیجه ماند.

قیام ۱۸ تیر ۲۵۳۹ = ۱۳۵۹

قیام ۱۸ تیر ۲۵۳۹ (۱۳۵۹) یکی از تجلیات با شکوه هم آهنگی ملت و ارتش ایران برای نجات کشور بشمار میرود. اوج دلاوری ارتشیان را زنده یادان افسران و درجه داران ارتش شاهنشاهی ایران همراه با میهن پرستان دلیر در درون مرز نشان دادند. این قیام به سبب توطئه بیگانگان و خیانت بیگانه پرستان، پیش از موفقیت نهائی به خون نشست و بیش از ۲۸۳ تن از دلاوران غیور ایران را به جوخه های تیرباران سپرد.

حماسه ۱۸ تیرماه ۱۳۵۹؛ حماسه جانبازی دلیرانی بود که درتلاشی نومیدانه ولی مصمم برای نجات کشورشان از سقوط به ظلمات قرون وسطائی؛ مرگی مردانه رابجان خریدند. حتی یکنفر از آنان؛ چه زن و چه مرد؛ چه لشگری و چه کشوری؛ پیر و جوان؛ از بالاترین رده های ارتشی گرفته تا سرباز ساده در برابر دژخیمان اظهار عجز نکرد و سرفروندنیارود. حماسه ای که اینان آفریدند یکی از غرور انگیزترین حماسه تاریخ مایس از قیامهای پیاپی دو قرن اول اسلامی در برابر تازیان استیلاگر بود.

ریشه‌ری قاضی ۲۴ ساعته که در این مدت کوتاه حکم اعدام بیش از ۲۴۰ نفر را صادر کرد؛ درباره این دلیران قیام ۱۸ تیرماه میگوید: بطوریکه درپاز جونیها مشخص کردیم عناصر اصلی کودتای نافرجام نوژه عبارت بودند از: ساواکی ها؛ ماموران ضدانقلاب رژیم سابق؛ بهائی ها؛ تعدادی از درویش و عده زیادی زنان فاحشه!

قیام مردانه حماسه آفرینان ۱۸ تیر اصولاً "بخت بسیاری برای پیروزی نداشت زیرا که در آن هنگام منافع سیاسی و نظامی و اقتصادی و خصوصی بسیاری؛ شکست چنین قیامی را ایجاب میکرد. ولی تردید نداشته باشیم که همه ناگفته

های این فاجعه گفته خواهد شد؛ همه واقعیت‌های این حماسه شکوهمند که چگونه این شیرمردان فداکار را دست و پایسته تسلیم دشمنان کردند؛ به آگاهی آیندگان خواهد رسید.

سرگرد خلبان فرخزاد جهانگیری در جلسه دادرسی دریاخ ریشهری گفت: «مابرای پول یابرای مقام دست به قیام نزدیم. در این صورت لازم نیست بپرسید که از کارمان پشیمان هستیم و یا نیستیم؛ البته که نیستیم.»

خیلی‌ها؛ با لاف و گزاف و با تفاخر؛ ادعا کردند که کشف کودتای نوزده ازمفاخر آنها است. ابوالحسن بنی صدر رئیس جمهور ملایان مدعی شد که روز پیش از قیام ((دوگروه سیاسی)) جریان رابه او اطلاع داده بودند. سرتیپ ظهیرنژاد ادعا کرد که یک ماه پیش اطلاعات مربوط به این قیام به دفتر او رسیده بود و دو هفته بعد از آن ۱۵ نفر در این رابطه دستگیر شده بودند.

مسعود رجوی اطمینان میداد که (کودتا) را او لو داده است. و کیانوری تاکید داشت که این اطلاعات را اولین بار او در اختیار رژیم گذاشته است. ریشهری نیز مدعی بود که دانشجویان از پنج ماه پیش این برنامه رابه او خبر داده بودند. ابوشریف؛ مصطفی چمران و جواد باهنر هر کدام این افتخار را مربوط به خودشان دانستند.

چهره بسیار بارز این گروه ۲۸۰ نفری سرتیپ خلبان آیت محقق است که از نظر سلسله مراتب نظامی بعد از سپهبد سعید مهدیون مقام ارشد گروه بود و از بهترین خلبانان ارتش شاهنشاهی بشمار میرفت. ویدیوی ضبط شده جلسات دادرسی او توسط خود رژیم ملایان تهیه شده بود که مورداستفاده تبلیغاتی قرار بگیرد؛ و از این ویدیو نسخه‌هایی جسته و گریخته در خارج از کشور وجود دارد. بیانات آرام؛ شمرده و روشن سرتیپ محقق که از آغاز تاپایان آن هیچ جانشانی از ضعف در آن نمیتوان یافت؛ نمونه غرور انگیزی از طرز فکروسخن یک سرباز شایسته ایران است.

بیانات آرام؛ شمرده و روشن سرتیپ محقق که از آغاز تاپایان آن هیچ جانشانی از ضعف در آن نمیتوان یافت؛ نمونه غرور انگیزی از طرز فکروسخن یک سرباز شایسته ایران است. او در محاکمه خود به ریشهری میگوید: «یادم هست که در یک بازجوی قبلی؛ بشما گفته بودم که ممکن بود در دو ساعت اول حداکثر ۲۰٪ از ارتش و یه مردم از حمایت کنند. ولی بعد از دو ساعت اول حداقل ۴۰٪ حمایت خواهند کرد؛ تا غروب ۸۰٪ و تا صبح روز بعد احتمالاً ۱۰۰٪.»

بپاس احترام ویژه به این جان باختگان دلیر، بر آن شدم تا بدینوسیله یادی از ارتش شاهنشاهی کرده باشم. این افسران میخواستند اشتباهی را که اکثریت مردم ایران مرتکب شده بود و آن ذلتی را که بعضی ارتشیان برای نجات جان خویش به آن تن داده بودند را با یک میهن پرستی واقعی جبران کنند.

همه ما مقصر هستیم! بیانید یکبار هم که شده برای ثبت در تاریخ به اشتباه خود اقرار کنیم و دیگران را مقصر قلمداد نکنیم. کپی از متن امضا شده توسط امیران ارتش موجود است که هرگاه خواسته باشید با کمال میل در اختیار خواهیم گذاشت.

کار این نوشتار تحلیل در چگونگی نرسیدن به مقصد نهانی (سرنگونی رژیم) نیست. بنابراین فقط یاد آور میشود که هنوز بسیاری از ارتشیان میهن پرست هستند که دست از مبارزه بر نداشته و همچنان برای اجرای طرح‌هایی که منجر به سرنگون نمودن رژیم سفاک و یغما گر و خونخوار خواهد شد در فعالیت میباشند.

برای تهیه بعضی قسمت‌های این نوشتار از کتاب آقای هوشنگ معین زاده و تارنمای سازمان پیوند ایرانیان استفاده شده است.

ح-ک

اگوست ۱۸ - ۲۰۰۴

۲۸ مرداد ۲۵۶۳ = ۱۳۸۳